

جایگاه صنعت نساجی در برنامه توسعه هفتم کجاست؟

سرمقاله

زنجیره صنایع نساجی از الیاف پنبه و چپیس پلی استر و گرانول پلی پروپیلن شروع و تا ریسندگی و بافندگی و رنگرزی و چاپ و تکمیل و محصول نهایی نظیر فرش و موکت و کالای خواب و پتو و بی بافت و پوشاک منسوجات خانگی ادامه پیدا می کند که ما در همه این زنجیره ها، فرصت ها و تهدیداتی داریم. در حال حاضر بخش هایی از زنجیره مشکلات بیشتر شده است اما در بخش هایی نیز موفقیت هایی داشته ایم. در زمینه رشد سرمایه ثابت بخاطر وضعیت اقتصادی و جهش نرخ ارز و اثرات تحریم ها و نیز بسترهای نامناسب اقتصاد کلان و عدم شفافیت دولت در حمایت از تولید شاهد کاهش سرمایه گذاری بودیم اما برای مثال در بخش تولید الیاف و نخ و رشد سرمایه گذاری های جدید و اشتغال وضعیت رشد داشته است. هرچند در بخش صادرات به دلیل سیاست های رفع تعهد ارزی و نیز شرایط ویژه تحریمی در نقل و انتقال پول و محدودیت های بین المللی با کاهش صادرات مواجهیم. متأسفانه در سندهای چشم انداز و توسعه صنعتی و برنامه های توسعه گذشته به صنعت نساجی نگاه ویژه ای نشده است و حتی در زمان تدوین سند چشم انداز ۱۴۰۴ گفتیم که اگر منظور سوم شدن در منطقه خاورمیانه است که ما تقریباً در همان زمان هم، این جایگاه را داشتیم. یعنی مشخص نبود که ما قرار است چه دستاورد مشخصی را کسب کنیم! و به کجا برسیم؛ یعنی به طور شفاف مشخص نیست صنایع نساجی چه جایگاهی در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های دولت دارد و دولت با چه برنامه و رویکردی به دنبال توسعه و تقویت این صنعت است و اصولاً چه اهداف کمی را در این زمینه دنبال می کند؟ و توقعات و الزامات این توسعه برای دولت و بخش خصوصی چیست و هر یک چه نقشی را برعهده دارند و اصولاً رصد و پایش این برنامه ها و سندها چگونه است؟! کما اینکه در حال حاضر هم هیچ راستی آزمایی از برنامه های قبلی انجام نشده و حتی شاید نسخه های آن برنامه ها هم در تغییر دولت ها و مدیریت ها در دسترس نباشد در حالی که به عنوان مثال کمتر از یک دهه قبل کشور از بکستان یا ترکیه از سند چشم انداز توسعه صنعت نساجی رونمایی کردند و امروز نتایج برنامه ریزی ها و حمایت هایشان را به وضوح می بینیم، از بکستان در سند چشم انداز از بکستان در این زمینه برنامه ریزی کرد و الان دیگر به ما پنبه نمی دهد و تولید نخ را بومی کرده و قصد تولید پارچه هم دارد و تبدیل به قطب شده است و به زودی پارچه و بعد از آن پوشاک صادر خواهد نمود. متأسفانه نرخ رشد سرمایه گذاری ثابت در این صنعت کاهش یافته و چنانچه برای سرمایه گذاری های جدید برنامه ریزی و حمایت نداشته باشیم این صنعت در مسیر پیر شدن و مستهلک شدن قرار می گیرد.

در برنامه توسعه هفتم پیشنهاد شده است که شورای عالی نساجی تاسیس شود و بودجه پنج میلیارد دلاری تسهیلات ارزان قیمت برای بازسازی و نوسازی صنعت و با اولویت صنعت بافندگی در نظر گرفته شود در حال حاضر علیرغم ظرفیت های موجود در بخش بافندگی تقریباً بیش از یک سوم واردات صنعت نساجی را پارچه تشکیل می دهد که با سرمایه گذاری مناسب در بخش بافندگی می توان از خروج ارز جلوگیری نمود و در صورت حمایت دولت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی تضمین صنعت نساجی می تواند تمام نیاز کشور را تامین نماید.

امروزه بسیاری از واحدها به دلیل نبود نیروی کار، مواد اولیه و مشکلات آب و برق با ظرفیت کمتر و غیر بهره ور، بهره برداری می شوند که همین موضوعات قیمت تمام شده محصولات تولیدی را افزایش می دهد. تامین مالی نقدینگی و سرمایه در گردش و غیره از بانک ها و تعرفه های گمرکی از دیگر مشکلات هستند ضمن اینکه نظام تعرفه گمرکی ما دچار مشکل است. برای مثال، فاصله بسیار نزدیکی بین تعرفه الیاف که مواد اولیه است و نخ که کالای تولیدی و داخلی است وجود دارد. سال گذشته تعرفه الیاف ۴ درصد و نخ ۵ درصد بود که این نزدیکی درست نیست و به تولید آسیب می زند. از سوی دیگر، بحث قاچاق را داریم که به گفته همکاران ما در صنعت نساجی بعضاً تا ۳۰ درصد از بازار پوشاک ما را دربر می گیرد. در حال حاضر بیش از ۹۸ درصد صنایع نساجی و پوشاک در ایران خصوصی شده اند و از این نظر سهم دولت در این صنعت کم شده است. اما به طور طبیعی دولت با استفاده از نظام تعرفه ها و قیمت گذاری و قانون گذاری و بخشنامه های صادره در حوزه های مختلف بانکی و گمرکی و مالیاتی در این صنعت نیز همچون سایر صنایع دخالت می کند. برای مثال در بخش واردات ماشین آلات شاهد افزایش تعرفه گمرکی بودیم که برای صنعت نساجی که ماشین آلات ساخت داخل ندارد با روح توسعه و سرمایه گذاری جدید در تضاد بود چرا باید تعرفه گمرکی و ارزش افزوده برای واردات ماشین آلات تولید بیرونیم در حالی که امکان تولید آن در کشور وجود ندارد؟! یا به عنوان مثال در بخش مالیات ارزش افزوده نیز سالهاست مشکل داریم و هر چند قرار است مالیات ارزش افزوده را مصرف کننده نهایی پرداخت کند، اما در حال حاضر تنها تولید کننده است که آن را پرداخت می کند و حتی در طول زنجیره نیز اصناف از پرداخت آن امتناع می کنند و این قانون مترقی باید تا انتهای زنجیره و مصرف کننده نهایی به طور کامل اجرا شود و این نیازمند عزم جدی دولت است.